

ایقاي سه تن از فقهای شورای نگهبان توسط رهبر معظم انقلاب

رهبر معظم انقلاب اسلامی سه عضو فقیه‌شورای نگهبان را برای یک دوره دیگر منصوب کردند. در پی نامه آیت‌الله جنتی، دبیر شورای نگهبان مبنی بر پایان عضویت آقایان حاج سیداحمد خاتمی، حاج شیخ علیرضا عارفی و حاج سیداحمد حسینی خراسانی در تاریخ ۲۵ تیرماه، حضرت آیت‌الله

یادداشت

مذاکره و تجربه‌های تاریخی که باید جدی گرفته شود

هادی گلسرخي، تحلیلگر مسائل سیاسی | پرده اول؛ مرداد ماه سال ۶۸ بوش پدر با خاویر پرز دکوتیار، دبیر کل وقت سازمان ملل تماس می گیرد. محتوای گفت‌وگو درباره آزادی گروگان‌های باقیمانده در لبنان و ایفای نقش ایران در این ماجراست. آمریکایی‌ها قول می‌دهند امتیازاتی در ازای این آزادی به ایران اعطا کنند. مرحوم هاشمی‌رفسنجانی که در ماجرای مک‌فارلین شکست خورده است برای کسب این فرصت درنگ نمی‌کند. طی رفت و برگشت‌ها، از سه شرط ایران تنها آزادی میلیاردها دلار اموال ایران مورد توافق قرار می‌گیرد و در مدت کوتاهی با تلاش ایران، تمامی آمریکایی‌ها از لبنان آزاد می‌شوند. اما آمریکایی‌ها حسن نیت و تلاش‌های تهران را نادیده می‌گیرند. آنان ترور مخالفان ایران در کشورهای اروپایی و فتوای امام(ره) درباره سلمان رشدی را بهانه بدعهدی خود می‌کنند. این واقعه نه تنها موجب کاهش تنش نشد بلکه به سیاست مهار دوگانه آمریکا منجر شد.

پرده دوم؛ واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بهانه مبارزه با ترور بسم و لشکرکشی آمریکا به افغانستان را در پی داشت. جک استراو در ۲ مهر ۱۳۸۰ به تهران می‌آید و درخواست همکاری برای سرنگونی طالبان را به سیدمحمد خاتمی می‌دهد. دولت وقت که همواره در پی یافتن فرصتی برای بهبود روابط با واشنگتن است از این درخواست استقبال می‌کند، اما رهبر معظم انقلاب موضع تندی علیه ادعای مبارزه آمریکا با ترور بیست می‌گیرند و حضور رژیم صهیونیستی در کنار آمریکا را شاهد نقض این مدعا می‌دانند و از مردم مظلوم افغانستان در برابر این تجاوزگری دفاع می‌کنند. این مخالفت در جلسه دولت و شورای عالی امنیت ملی نیز تکرار می‌شود و به نقل از دبیر وقت شورا، ایشان معتقد بودند که «این همکاری تاکتیکی است و آمریکایی‌ها خرشان از پزل بگذرد دوباره به موضع خصمانه گذشته باز خواهند گشت». ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ در حالی که انتظار می‌رفت در نتیجه موضوع افغانستان روابط ایران و آمریکا بهبود پیدا کند، جرج بوش در یک سخنرانی ایران را در کنار عراق و کره شمالی به عنوان «محور شرارت» معرفی می‌کند!

پرده سوم؛ سال ۲۰۰۳ حمله آمریکا به کشور عراق به بهانه داشتن تسلیحات کشتار جمعی و کمک این کشور به القاعده آغاز می‌شود. دولت خاتمی با نادیده گرفتن بدعهدی آمریکا در افغانستان، باز هم دست همکاری به سوی آمریکایی‌ها دار می‌کند. گفت‌وگوهایی ژئو که از زمان حمله افغانستان فعال شده بود بهترین کاتال برای مذاکرات درباره عراق بود. سه دوره از این مذاکرات در این برهه برگزار شد اما دور چهارم که قرار بود پس از سقوط صدام برگزار شود به دلیل مخالفت آمریکایی‌ها لغو شد. آنان پس از سقوط دولت بعث خود را بی‌نیاز از ایران می‌دیدند و این محاسبات فارغ از عمق نفوذ و نقش آفرینی ایران در تحولات عراق بود.

پرده چهارم؛ این روند با عنوان «مذاکرات برجام» و پنجم؛ با عنوان «مذاکرات مسقط» در ذهن‌های ایرانی آکنده از عبرت‌هاست. اما در تحلیل رفتارشناسی ارتباط و تعاملات ایران و آمریکا در دوره‌های تاریخی مختلف و در بستر بحران‌ها، عوامل زیادی به عنوان مؤلفه‌های تعیین‌کنندگی چرایی، نوع و سطح مذاکره قابل ارزیابی است؛ با این حال پیگیری سیاست تنش‌زدایی، بازگشت اموال بلوکه شده و لغو تحریم‌ها از سوی ایران، پیگیری اهداف منطقه‌ای و بازبانی هژمونی از سوی آمریکا همواره اصلی‌ترین ار قلمداد می‌شود. از سوی دیگر در هر دوره از مذاکرات نیز طرفین با انتظار کسب امتیازات و فرصت‌ها و پشت سر گذاردن تهدیدها، بر سر میز مذاکره حاضر شده‌اند؛ ولی تحقق آن مانند بازی فوتبالی است که بازیکنان یک تیم بدون در نظرگیری قواعد بازی و با بازی ناجوانمردانه برای پیروزی دست به هر کاری می‌زنند.

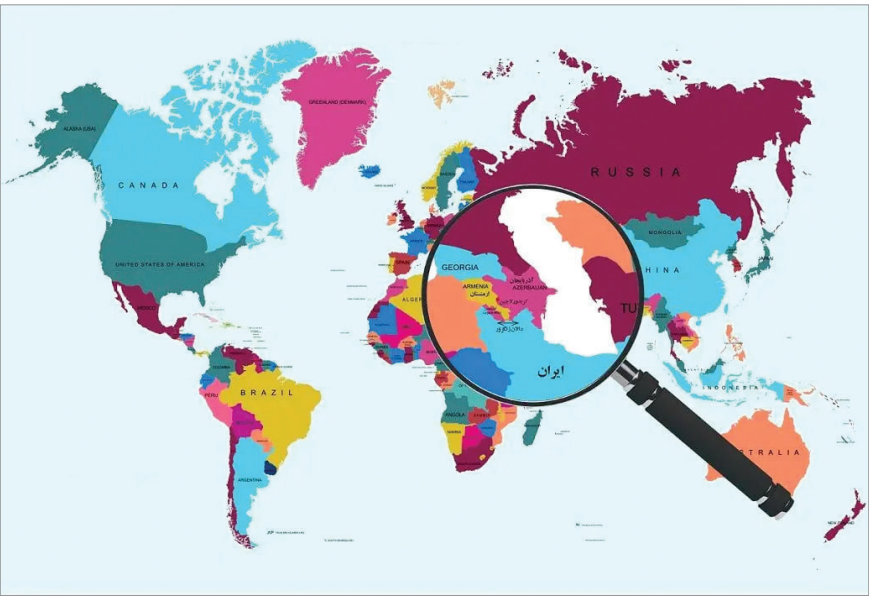
بدعهدی و سیاست فریب آمریکا در همه دوره‌های مذاکرات با ایران امروز آشکارتر از هر زمانی است. با این حال ایران با وجود بدعهدی‌های آمریکا و بدون در نظرگیری فرصت مشروع پاسخ منطی به اصل مذاکره، همواره از آن در چارچوب مشخص استقبال کرده و هیچ گاه شروع کننده انسداد در مذاکرات نبوده است. اما این کارت بارها از سوی طرف آمریکایی استفاده شده، چنانچه دور چهارم مذاکرات ژئو در باره عراق یک طرفه از جانب این کشور لغو و در تجربه مذاکرات برجام، این کشور در مرحله عمل به تعهدات با بی مسئولیتی از آن خارج شد. اشاره به نقش بی‌بدیل رهبر معظم انقلاب هم در بعد حمایتی از دولت‌های مختلف برای حضور در مذاکرات و هم در شناخت ماهیت و هیئت حاکمه آمریکا و همچنین حفظ منافع ملی و عبور کشور از بحران‌ها یکی از نقاط عطفی است که جای واکاوی دارد. ایشان پیش از مذاکرات افغانستان «تاکتیکی» بودن و انگیزه‌های آمریکا را به هیئت مذاکره‌کننده متذکر می‌شوند. همچنان که در مذاکرات مسقط ۲۰۰۵ نیز با وجود حمایت از تیم مذاکره‌کننده، با شناخت از سردمداران آمریکایی مذاکرات با آنان را «هوشمندانه، عاقلانه و شرافتمندانه» ندانستند و امروز با اعتراف رئیس جمهور آمریکا و اطلاق «عملیات فریب» به مذاکرات، سمت درست تاریخ آشکارتر شده است.

اکنون چه به لحاظ حافظه تاریخی، چه تجربه زیسته جنگ ۱۲ روزه در وضعیت بمباران میز مذاکره از سوی آمریکا هستیم. در این محیط افکار عمومی داخلی با درک فضای روانی و تصمیم‌سازی غیرانسانی و جنایتکارانه آمریکا، فرصت کم‌نظیری برای مذاکره با دست برتر و با عدم بازگشت به میز مذاکره، در اختیار دستگاه سیاست خارجی قرار داده است. اما در این میان اندک افراد و محافل هستند که نسخه‌های تاریخ مصرف گذشته را در عرصه اقتصادی و از همه مهم‌تر بانگاه‌های ساده‌انگازانه در سیاست خارجی دیکته می‌کنند. آنان همواره در برابر برساخته‌های غربی سپر می‌اندازند و ظاهراً هنوز به عملیات «چکش نیمه‌شب» با دیدته تردید می‌نگرند؛ بنابراین اگر غفلت شود همان‌ها با القائات خود در یا زود تلخی تکرار تاریخ را به کام همگان می‌چشانند. به قول آقا روح‌الله باید آنا را کنار بزنید. به عبارتی؛ در این دوران کم‌نظیر، آرموده را نیازماید!

خامنه‌ای، در پاسخ مرقوم فرمودند: «با سلام و تحیت، حضرات محترم نامبرده را دوباره به عضویت فقهای شورای نگهبان منصوب می‌کنم». بر اساس اصل ۹۱ قانون اساسی، ۶ عضو فقیه‌شورای نگهبان از جانب رهبر معظم انقلاب منصوب می‌شوند. ۶ عضو حقوقدان شورای نگهبان نیز حقوق‌دانانی هستند که رئیس قوه قضائیه به مجلس معرفی می‌کند.

۴ پیشنهادی که عراقچی در نشست شانگهای مطرح کرد

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران دیروز در بیست و پنجمین نشست شورای وزرای خارجه سازمان همکاری شانگهای در تیانجین چین در راستای ارتقای عملکرد و جایگاه این سازمان چهار پیشنهاد مطرح کرد. سازوکار دائمی برای پایش، مستندسازی و هماهنگی پاسخ‌ها



جمهوری آذربایجان علیه ایران، تصریح کرد: زمانی که باکو کامیون‌های ایرانی را متوقف می‌کرد و از آن‌ها عوارض می‌گرفت، ایران بلافاصله مسیر جایگزین تعریف کرد و با قدرت وارد عمل شد. همان زمان بود که شاهد بودیم باکو به سرعت عقب‌نشست؛ این یعنی دیپلماسی اگر با اقدام عملی همراه باشد، کارآمد و بازدارنده خواهد بود.

این استاد دانشگاه با اشاره به سابقه طرح کریدور زنگرور گفت: این ایده ابتدا توسط آمریکایی‌ها و دولت‌های غربی مطرح شد، زمانی که منطقه قره‌باغ در دست ارمنستان بود. این در شرایطی بود که در دو دهه اخیر، جمهوری آذربایجان بدون هیچ مشکلی از طریق خاک ایران به نخجوان دسترسی داشته و ایران تسهیلات کامل را فراهم کرده بود؛ بنابراین طرح زنگرور نه نیاز منطقه‌ای است و نه منطق اقتصادی دارد، بلکه زاییده تفکر ژئوپلیتیکی غرب و ترکیه است که باکو، اسرائیل و ناتو همسو با آن عمل می‌کنند. حکیم با اشاره به پیامدهای اجرای کریدور زنگرور، معتقد است: برای ارمنستان از دست رفتن این مرز کوتاه عملاً حاکمیت ملی ارمنستان را مخدوش می‌کند و مسیر تنفسی آن را به سوی جهان می‌بندد. برای روسیه نیز اجرای این طرح فاصله ژئوپلیتیکی با ایران ایجاد می‌کند و عملاً منطقه‌ای را که به عنوان حیاط خلوت روسیه شناخته می‌شود، در اختیار ناتو و بازیگران غربی قرار می‌دهد. برای

ما نیز این کریدور با حمایت صهیونیست‌ها، ترک‌ها و ناتو، از نخجوان آغاز شده و تا دریای خزر ادامه می‌یابد و مثل یک کمربند محاصره‌ای، شمال غرب کشور را در بر می‌گیرد. این نقشه در راستای همان دکترین محاصره ایران است که آمریکایی‌ها از دهه ۹۰ دنبال کرده‌اند. از این رو جمهوری اسلامی ایران باید از ظرفیت‌های دیپلماسی، میدان و اهرم‌های اقتصادی و منطقه‌ای برای مقابله با این پروژه بهره بگیرد. امروز وقت مامشات نیست؛ طرح جعلی زنگرور، اسم رمزی برای حذف ایران از قفقاز و قطع دسترسی تهران به حوزه نفوذ تاریخی‌اش در شمال غرب است. با این سناریو نباید به سادگی کنار آمد.

■ پروژه‌ای برای نظم جدید در قفقاز با محوریت ناتو

در همین زمینه دکتر بهادر نوکنده، کارشناس مسائل استراتژیک نیز در گفت‌وگو با قدس با اشاره به ادعای تازه سفیر آمریکا درباره جغرافیای هم‌مرز ایران آن هم در کشوری مانند ترکیه . که خود نقش محوری در تحولات قفقاز جنوبی دارد . آن را نوعی مهندسی ژئوپلیتیکی دانست و تصریح کرد: آمریکا با این طرح، اهداف چندجانبه‌ای را دنبال می‌کند؛ ایزوله‌سازی ژئوپلیتیکی ایران با بستن مسیر زمینی به ارمنستان و از آن طریق به روسیه و اوراسیا، پشتیبانی از محور ترکیه . باکو . تل آویو

داشته باشد، اثر روانی خودش را تحمیل می‌کند. چه اینکه قطعنامه‌های مربوط صرفاً موارد نظامی و هسته‌ای و برخی کاربردهای دوگانه را در برمی‌گیرد و تعداد و گستره‌اش هم بخش کوچکی از تحریم‌های آمریکا را شامل می‌شود. تحریم‌های به اصطلاح فلج‌کننده‌ای که ضربات آن را با وجود همه سختی‌ها، اقتصاد کشورمان دریافت و هضم کرده است. بنابراین مهم‌ترین اقدام داخلی، پرهیز از بزرگ‌نمایی مکانیسم ماشه و تلاش برای کاهش آثار روانی آن است. از سوی دیگر بدعهدی غربی‌ها و خروج آمریکا از برجام و حملات غیرقانونی به تأسیسات هسته‌ای، این توافق را از موضوعیت خارج کرده و مکانیسم قید شده در آن نیز همچون سایر بندها اعتباری نخواهد داشت. تأکید بر این واقعیت در کنش‌های دیپلماتیک با کشورهای همسوی می‌تواند همان آثار حداقلی را نیز کاهش دهد.

اما استفاده از این اهرم نباید برای غرب بدون هزینه باشد. بنا بر تجربه‌های گذشته، دیپلماسی خواهشی یا حتی تهدید صرف نمی‌تواند مانع استفاده از این اهرم فشار شود. میل ساختار سیاسی کشور به بازی در چارچوب‌ها و پرهیز از

مکانیسم ایرانی در برابر ماشه

غافلگیری نیز انتظار واکنش جدی و ساختارشکن را زائل کرده و هزینه این اقدام را برای اروپایی‌ها ناچیز نشان می‌دهد. در این موقعیت نیازمند مکانیسم مشابهی از سوی ایران هستیم؛ سناریوهایی واکنشی و البته محکم و بازدارنده در برابر اجرای مکانیسم ماشه که به صورت خودکار به اجرا درآید که در این صورت طرف غربی راه به درک مشخصی از ریسک استفاده از این ابزار می‌رساند و در صورت اجرانیز پاسخ مناسبی خواهد داشت.

اما به نظر می‌رسد خطر بزرگ‌تر از اجرای مکانیسم ماشه، حرکت به سمت تعدید برجام و استمرار تهدید مکانیسم ماشه است. اینکه تعلیق تحریم‌ها بار دیگر روی میز مذاکره گذاشته و دوباره به ما فروخته شود؛ موضوعی که با رویکردهای تسویفی و میل به تعویق مسائل، ممکن است طرف‌دارانی هم داشته باشد. این خطری است که به تداوم فرسایشی پرورنده هسته‌ای منجر خواهد شد و موجب می‌شود بار دیگر مکانیسم ماشه به تعبیر رهبر معظم انقلاب، همچون استخوانی لای زخم و تهدیدی بالای سر ایران باقی بماند.

گزارش تحلیلی

کنکاشی درباره پیام رئیس جمهور خطاب به ایرانیان خارج از کشور

روزنه امیدی که پزشکیان روی آن انگشت گذاشت

در این نزاع تبدیل شوند. اما برای دستیابی به این ظرفیت بزرگ در گام نخست باید موانع بازگشت ایرانیان به وطن را فراهم آوریم که این مهم با تغییر نگاه‌های امنیتی به این قشر ایجاد خواهد شد. باید پذیریم هیچ‌کس جز ما ایرانیان دلسوز کشور نیست. البته شکی هم نیست که در میان افراد خارج‌نشین هستند کسانی که پرونده‌های دارند که قابل چشمپوشی نیست. با این حال بسیاری از هموطنان نیز به دلایل بسیار ساده و شاید ترس ذهنی و خیالی، دوری از وطن را به اجبار برگزیده‌اند.

اظهارات سال گذشته رئیس قوه قضائیه البته ما را نسبت به این مسئله خوشبین کرده است. حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای گفته است: یکی از برنامه‌های ما ایجاد فضای مطلوب برای جذب سرمایه‌گذاری در کشور از ناحیه اتباع ایرانی مقیم خارج از کشور است. بسیاری از ایرانیان مقیم خارج از کشور می‌توانند به وطن خود بازگردند اما می‌ترسند بلافاصله در فرودگاه با زداشته شوند. ما در دستگاه قضایی و دستگاه دیپلماسی باید با فراهم‌آفرانی با یکدیگر، در مسیر رفیع موانع مسیر بازگشت اتباع ایرانی گام برداریم.

به تجاوز نظامی، ایجاد مرکز مطالعات و مقابله با تحریم‌های یک‌جانبه، تشکیل مجمع امنیت منطقه‌ای و تعمیق همکاری رسانه‌ای و فرهنگی میان کشورهای عضو، چهار پیشنهادی بود که سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در بیست و پنجمین نشست شورای وزیران امور خارجه سازمان همکاری شانگهای (اس سی) مطرح کرد.

www.qudsonline.ir

چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۴ ■ ۲۰ محرم ۱۴۴۷ ■ ۱۶ جولای ۲۰۲۵ ■ سال سی و هشتم ■ شماره ۱۰۶۹۴

ادعای مقام آمریکایی درباره تلاش واشنگتن برای مدیریت بر کریدور موهوم زنگرور

حواسمان به آنچه در مرز شمال غربی می‌گذرد هست؟

و فراهم‌سازی چتر بین‌المللی برای تحرکات این محور از طریق نظارت بر کریدور ادعایی و موازنه‌سازی با روسیه در قفقاز جنوبی، به ویژه پس از کاهش نفوذ مسکو در پی جنگ اوکراین.

این استاد دانشگاه با اشاره به ماهیت ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی اظهار کرد: در ظاهر، این طرح ممکن است یک اقدام دیپلماتیک بی‌طرف جلوه کند، اما در باطن، پروژه‌ای راهبردی برای شکل‌دهی به نظم امنیتی جدید در قفقاز با محوریت ناتو و رژیم صهیونیستی است. این نه فقط امنیت ملی ایران، بلکه مرزهای منطقه را هدف گرفته است. نوکنده در این زمینه هشدار داد: ما اکنون با یک ائتلاف نوین و ضدایرانی متشکل از باکو، آنکارا، تل آویوو و پشتیبانی آشکار واشنگتن مواجه‌ایم. این ائتلاف نه‌فقط در حال مهندسی ژئوپلیتیک منطقه است، بلکه به دنبال اجرای یک جنگ ترکیبی علیه ایران است؛ جنگی که در آن از دیپلماسی، ترانزیت، امنیت، انرژی و حتی رسانه به عنوان ابزار استفاده می‌شود. ایران نباید درگیر توزیع ناعادلانه توجه استراتژیک شود. به بیان دیگر، نباید آن قدر بر تحولات خلیج فارس و شام متمرکز شویم که از جبهه نوظهور شمال غربی غافل بمانیم. یکی از روش‌های دشمنان منطقه‌ای ایران، دقیقاً همین تکنیک انحراف تمرکز است.

وی برای مقابله با این وضعیت، یک دیپلماسی چندلایه و بازدارنده پیشنهاد داد که شامل سه مؤلفه اصلی است به طوری که بلوک ژئوپلیتیکی متقابل با محوریت ارمنستان، روسیه و حتی گرجستان فعال شود. همچنین ایران باید باز یگیری فعال و تعیین‌کننده در نقشه امنیتی قفقاز باشد، نه صرفاً یک ناظر تحولات. در این راستا ایران باید افکار عمومی منطقه را نسبت به پروژه اسرائیل سازی در جمهوری آذربایجان آگاه کند و بازدارندگی میدانی هوشمند با ابزار نظامی مثل برگزاری مانورهای نظامی در مرزهای شمال غربی با پیام سیاسی صریح که ایران اجازه تغییر ژئوپلیتیک منطقه به نفع دشمنانش را نخواهد داد برای اعلام این موضع حیاتی است. این کارشناس مسائل منطقه همچنین تشکیل کمیته ویژه‌ای در دستگاه سیاست خارجی برای پایش لحظه به لحظه تحولات قفقاز را ضروری دانست و گفت: اگر ایران با رویکردی واقع‌گرایانه، هوشمند و چندسطحی وارد میدان شود، می‌تواند تهدیدها را مهار و جایگاه منطقه‌ای‌اش را بازتعریف کند. اما اگر غفلت شود، تجربه سوریه و لبنان شاید در آینده در مرزهای شمال غربی کشور تکرار شود.